

## اخلاق پزشکی در فرهنگ و تمدن اسلامی (۲)

حسین رفیعی، معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دندانپزشکی تهران  
علی رعدی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

### تعریف علم اخلاق

بررسی صفات پسندیده و چگونگی اکتساب آنها و صفات ناپسند و چگونگی اجتناب از آنها و یا (در صورت ابتلا) چگونگی خلاصی از آنها مربوط به علم اخلاق است.

ملاک پسندیده و ناپسند بودن یا حسن و قبح، و تا حد قابل توجهی موارد و مصادیق افعال، نزد جوامع و مکاتب اخلاقی تفاوت می‌کند؛ اما همگان بر این مسأله اتفاق نظر دارند که اولاً برخی صفات و افعال، خوب و پسندیده‌اند و برخی بد و نکوهیده‌اند؛ ثانیاً ما می‌توانیم در این مورد معرفت و داوری داشته باشیم، ثالثاً لازم است صفات و افعال خوب و پسندیده را ترویج دهیم و افراد را به تحصیل یا انجام آنها تشویق کنیم. هم چنین در مقابل، از رواج صفات و افعال بد و نکوهیده جلوگیری و یا دست‌کم پرهیز کنیم و افراد را از داشتن آن صفات یا انجام آن افعال بر حذر داشته و یا لاقلاً ترغیب و تشویق نکنیم. با توجه به همین نکته است که علم اخلاق شکل گرفته است و دانشمندان از مکاتب مختلف تلاش‌های علمی و عملی فراوانی در این زمینه انجام می‌دهند.

علم اخلاق به دو بخش اصلی و بنیانی تقسیم می‌گردد و هر کدام از آن دو آثار و ویژگی‌هایی دارد که آن دیگری فاقد آن است.

بخش اول: این که انسان از نظر اخلاقی چه تکالیفی دارد. چه کارهایی را باید انجام دهد و چه چیزهایی را نباید انجام دهد؟

بخش دوم: این تکالیف و وظائف را برای چه مقصودی باید انجام دهد یا انجام ندهد؟ و هدف و غایت این وظائف و تکالیف چیست؟  
بخش اول را اخلاق عملی و بخش دوم را اخلاق نظری و یا فلسفه اخلاق می‌نامند.

### اهمیت علم اخلاق

با توجه به این که حقیقت و شخصیت و در نتیجه سعادت هر انسان، افزون بر باورها (فرهنگ)، به صفات اکتسابی و افعال اختیاری (اخلاق) وی مربوط است، اهتمام علمی و عملی به این دو موضوع یعنی فرهنگ و اخلاق و رابطه بین آنها اهمیت زیادی دارد.

اهمیت اخلاق از آن جهت است که تمامی روابط چهارگانه انسان (روابط انسان با خدا، خود، جامعه و طبیعت) را در برمی‌گیرد. بنابراین، اصلاح آن به معنای اصلاح همه‌ی روابط انسان، و نتیجه‌ی آن، رسیدن انسان به کمال واقعی خواهد بود.

در همه‌ی ادوار تاریخ، انسان‌ها برای رسیدن به کمال مادی و معنوی کوشیده‌اند و همه‌ی جوامع اعم از جوامع دینی و غیردینی، روابط خود را در چارچوب قواعد و ضوابطی خاص تنظیم کرده‌اند. بخش عمده‌ای از این ضوابط، اخلاقی بوده‌اند، اما ضوابط اخلاقی که از طریق وحی دریافت شده‌اند، مؤثرتر و صحیح‌تر بوده‌اند.

رابطه را در بر می‌گیرند، لذا هم‌سویی آنها خودبه‌خود اثبات می‌شود؛ علاوه بر این که اخلاق جزئی از فرهنگ است لذا وابستگی تامه به آن دارد.

تفاوت فرهنگ با تمدن:

از تعریف فوق به دست می‌آید که: فرهنگ دارای دو بخش عینی و غیر عینی (ذهنی) است، هر چند که اکثر جامعه‌شناسان آن را دو بخش مادی و غیر مادی (معنوی) نامیده‌اند، که در واقع فرهنگ مادی همان تمدن و فرهنگ غیر مادی، چیزی است که به عنوان بخش ذهنی تعریف فرهنگ گفتم.

اما آنچه فرهنگ را از تمدن تمیز می‌دهد و می‌تواند این دو را کاملاً شفاف نماید، نکات زیر است:

۱- فرهنگ مادی محسوس، ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی است، در حالی که فرهنگ غیر مادی قابل اندازه‌گیری با موازین نیست، و به آسانی نمی‌توان آن‌ها را مقایسه و ارزشیابی نمود.

۲- فرهنگ‌ها بر یکدیگر تأثیر دارند و فرهنگ مادی و معنوی نیز بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ فرهنگ مادی شدیداً از فرهنگ غیر مادی متأثر است و اثر فرهنگ مادی بر فرهنگ معنوی نیز انکار ناپذیر است. به عنوان مثال در ساختن یک فیلم، روشن است که صنعت و کیفیت آن از نظر فنی تابع شرایط مادی است ولی سوژه و موضوع تحت تأثیر فرهنگ معنوی قرار دارد.

۳- آلفرد وبر معتقد است: فرهنگ مادی قابل انتقال است در حالی که فرهنگ غیر مادی منحصر به فرد، غیر قابل انتقال و محدود به زمان و مکان می‌باشد. کشورهای در حال توسعه ممکن است از غرب کسب علم و فن کنند، اما مذهب، فلسفه و هنر خود را حفظ خواهند کرد. هر چه پایه‌های این فرهنگ، قوی و محکم‌تر باشد، امکان تزلزل در آن ضعیف‌تر خواهد بود.

### تعریف اخلاق پزشکی

اخلاق پزشکی دانشی است میان‌رشته‌ای که موضوع آن مسائل و مباحث اخلاقی در حوزه‌ی علوم پزشکی است. محتوای این مباحث از رشته‌های گوناگون دانش و معرفت بشری به اخلاق

البته این بدان معنی نیست که اخلاق، ویژه‌ی انسان‌های دین‌دار است. نیاز به اخلاق را عقل انسان درک می‌کند و درستی و نیکی برخی از اعمال و خطا بودن و زشتی برخی دیگر را می‌تواند تشخیص دهد. خداوند نیز در وجدان اخلاقی انسان، آگاهی و تمایل به خیر را قرار داده است.

عقل انسان نیاز به اخلاق را حداقل در قلمرو روابط و مناسبات اجتماعی درک می‌کند. انسان‌ها همان‌طور که ضرورت قانون را برای برقراری نظم درمی‌یابند، ضرورت قوانین اخلاقی را برای برقراری نظم عادلانه و آرامش می‌فهمند. انسان، جامعه‌ای را که با ضوابط اخلاقی حفاظت و هدایت می‌شود دلبخترتر می‌یابد و می‌داند که راه رسیدن به تعادل و آرامش و موفقیت، التزام به اخلاق است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی فرموده‌اند:

قَالَ لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَاراً وَلَا نُؤَابِئُ وَلَا عِقَاباً لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ.

اگر به بهشت امید نداشتیم و از آتش جهنم نمی‌ترسیدیم و ثواب و عقابی هم در کار نبود، (باز هم) شایسته بود که مکارم اخلاق را بخواهیم، زیرا که راهنمای نجات و پیروزی است.

این روایت بسیار پرمعناست. یکی از استنباط‌های احتمالی این روایت این است که اگر آخرتی در کار نبود و حیات انسان در دنیا خلاصه می‌شد، باز هم مکارم اخلاق مطلوب بود؛ زیرا زندگی دنیا را دلبختر و انسان را در دنیا متعادل و آرام می‌سازد. یکی دیگر از درس‌های این روایت، این است که خوبی و مطلوبیت مکارم اخلاق، چنان است که حتی اگر در برابر کارهای نیک پاداشی در کار نبود و بر اثر اعمال بد عقابی صورت نمی‌گرفت، باز هم درک خوبی و مطلوبیت مکارم اخلاقی ما را وامی‌داشت که آنها را بخواهیم. در این معنا حتی آثار مکارم اخلاق در بهبود حیات دنیایی انسان‌ها هم سبب مطلوبیت آنها نیست، بلکه خوبی ذاتی مکارم اخلاق مورد نظر است.

در مفهوم فرهنگ نیز رابطه چهارگانه انسان با خدا، طبیعت، خود و جامعه بیان شد و چون اخلاق و فرهنگ هر دو این

در قرون قبل از میلاد، فرهنگ یونانی و رومی که تحت تاثیر فرهنگ ایرانیان و تمدن شرق بود در غرب گسترش داشت. در آن دوران به دلیل عدم گستردگی علوم زمان، پزشکان معمولاً فلسفه را نیز فرا می‌گرفتند، لذا تاریخچه اخلاق پزشکی با تاریخچه فلسفه در آن ایام پیوند خورده است. اما اخلاق پزشکی بیش از همه با اندیشه‌ها و تفکرات فلاسفه بزرگی چون سقراط (۳۹۹-۴۷۰ ق.م) افلاطون (۳۴۷ - ۴۲۷ ق.م) و ارسطو (۳۲۲ - ۳۸۴ ق.م) در قرون چهارم و پنجم قبل از میلاد پیوند نزدیکی داشته است. این متفکران یونانی علم اخلاق را در کنار علم پزشکی فرا گرفته بودند و آن را به عنوان «هنر زیستن» و «مراقبت و مواظبت از نفس» توصیف می‌نمودند و از سوی دیگر «عقل سالم را در بدن سالم» می‌دانستند. در همان دوران، بقراط (۴۵۰ - ۳۸۰ ق.م) که او را پدر علم طب نامیده‌اند، سوگندنامه‌ی معروف خود را تنظیم نمود. بقراط اولین کسی بود که مبانی اخلاقی را در قالب قسم‌نامه با طبابت در آمیخت، و به عبارتی، بزرگترین سهم بقراط در زمینه پزشکی، اعتقاد او به اصول اخلاقی بود که سوگندنامه معروفش تبلور آن است. البته قبل از بقراط نیز برخی مقررات وجود داشته از جمله قوانین حمورابی که همچون آیین‌نامه انضباطی، در آن به مجازات پزشکان خطاکار اشاره شده است و در واقع جنبه‌های اخلاقی را با نگاهی بازدارنده مطرح ننموده است.

پزشکی وارد شده و در شکل‌گیری این حوزه از دانش دخیل بوده‌اند ولی در این میان، فرهنگ و تمدن تأثیر و نقش متفاوتی دارند و در واقع حرف اول را می‌زنند. برخی مسائل و پرسش‌ها در حوزه اخلاق پزشکی سابقه‌ای دیرینه دارند و در متون کهن پزشکی نیز مورد توجه و بحث قرار گرفته‌اند، مثل سقط جنین و رابطه پزشک و بیمار. برخی دیگر به دنبال پزشکی مدرن پدید آمده‌اند و از توانایی‌ها و امکانات بی‌سابقه‌ای که دانش و فناوری پزشکی نوین پیش روی بشر قرار داده ناشی می‌شوند، مثل پیوند اعضا و استفاده از سلول‌های بنیادین در معالجه و درمان؛ اما در همه مباحث قدیم و جدید، فرهنگ همیشه نقش خود را می‌نمایاند و در نتیجه‌گیری مباحث دخیل است، به طوری که در طول تاریخ هر کجا اخلاق پزشکی مطرح است، ابتدا فرهنگ خودنمایی می‌نماید.

### تاریخچه اخلاق پزشکی

این کتاب آسمانی، در موارد متعددی، با عناصر فرهنگ جاهلیت مقابله کرده است؛ مثل مذمت زنده به گور کردن دختران:

وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

و آن‌گاه که (در باره) دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین گناه کشته شد.

همان طور که قبلاً ذکر شد، جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد و چون اخلاق پزشکی در دنیا تاریخچه‌ای بسیار طولانی دارد لذا با اخلاق پزشکی با فرهنگ و تمدن جوامع عجین شده است.

### منابع:

- ۱- شمالی، محمدعلی، مجله معرفت اخلاقی، سال اول، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹، مقاله علم اخلاق و فلسفه اخلاق، ص ۷-۲۶.
- ۲- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۹۳، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۵۶، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش؛ اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی، معاونت امور فرهنگی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۷۰ ش.
- ۳- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۱۱، ص ۱۹۴.
- ۴- صاعی دره بیدی، منوچهر، فلسفه اخلاق و مبانی رفتار، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹.
- ۵- مراجعه کنید به: لاریجانی، باقر، پزشک و ملاحظات اخلاقی (دو جلد)، چاپ اول، تهران: نشر برای فردا، ۱۳۸۲.